

ЛЮДИ



سوتلانا آلكساندرونا آلكسيويچ

# نيایش چرنوبیل

رویدادنامه‌ی آینده

ترجمه از روسی: الهام کامرانی

The  
Nobel Prize  
in Literature  
2015

برنده‌ی جایزه‌ی  
ادبی نوبل،

۲۰۱۵

## فهرست

۹	مقدمه‌ی مترجم
۱۵	ارجاعات تاریخی
۲۱	صدای تنهایی بشری
	مصاحبه‌ی نویسنده با خودش درباره‌ی داستان از قلم افتاده
۴۱	و این‌که چرا چرنوبیل جهان‌بینی ما را آسیب پذیر می‌کند
	فصل یک
۵۵	زمین مُردگان
۹۹	هم‌سرایی سربازان
	فصل دو
۱۲۱	تاج آفرینش
۲۱۲	هم‌سرایی مردم
	فصل سه
۲۲۵	حیرت از غم
۳۱۳	هم‌سرایی کودکان
۳۲۴	صدای تنهایی بشری
۳۳۸	به جای سخن آخر

## ارجاعات تاریخی

«بلاروس... ما برای جهان تزا اینکاگنیتو<sup>۱</sup> هستیم؛ ناشناخته، سرزمین ناشناخته-ایم. معنای نام سرزمین ما به انگلیسی تقریباً روسیه‌ی سفید می‌شود. همه تا آن جایی که به روسیه و اوکراین مربوط است از چرنوبیل خبر دارند. ما باید دوباره از خودمان حکایت کنیم...»

روزنامه‌ی مردمی، ۲۷ آوریل ۱۹۹۶

«۲۶ آوریل ۱۹۸۶، در ساعت یک و ۲۳ دقیقه و ۵۸ ثانیه یک رشته انفجار، راکتور و چهارمین بلوک تولید انرژی نیروگاه اتمی چرنوبیل را که نزدیک مرز بلاروس بود از بین برد و فاجعه‌ی چرنوبیل بزرگ‌ترین اتفاق تکنولوژیکی قرن بیستم شد.

این حادثه برای بلاروس کوچک (با ۱۰ میلیون نفر جمعیت) فاجعه‌ای ملی بود، خود بلاروسی‌ها حتی یک نیروگاه اتمی هم ندارند. بلاروس همچون گذشته کشوری است متکی بر کشاورزی با جمعیتی که عمده‌شان ساکن روستاها هستند. در سال‌های جنگ جهانی دوم، فاشیست‌های آلمانی در بلاروس ۶۱۹ روستا را همراه با ساکنانش به کل نابود کردند. کشور، پس از حادثه‌ی چرنوبیل، ۴۸۵ روستا و آبادی را از دست داد: از این تعداد ۷۰ روستا برای همیشه در زمین مدفون شدند. در جنگ از هر چهار

۱. Terra Incognita؛ واژه‌ی لاتینی به معنای «سرزمین ناشناخته».

نفر یک نفر کشته شد، امروزه از هر پنج نفر، یکی در منطقه‌ی آلوده به رادیواکتیو زندگی می‌کند. این رقم معادل  $2/1$  میلیون نفر است که از آن‌ها ۷۰۰ هزار نفرشان کودک هستند. در میان شاخص‌های انقراض جمعیت رادیواکتیو مکان نخست را دارد. در استان‌های گومل و مگیلف (که بیش از همه از حادثه‌ی چرنوبیل لطمه دیدند) میزان مرگومیر ۲۰ درصد از زادوولد پیشی گرفت.

در نتیجه‌ی حادثه  $10^6 \times 50$  کوری<sup>۱</sup> ایزوتوپ پرتوزا در اتمسفر آزاد شد که ۷۰ درصدش روی بلاروس ریخت و ۲۳ درصد قلمرو بلاروس آلوده به ایزوتوپ پرتوزا شد که بیش از ۱ کوری در کیلومتر مربع با سزیم<sup>۲</sup> - ۱۳۷ است. برای مقایسه می‌توان به این نکته اشاره کرد که در اوکراین  $4/8$  درصد و در روسیه  $0/5$  درصد قلمرو آلوده شد. مساحت نواحی کشاورزی با غلظت آلودگی از ۱ کوری و بیش‌تر در کیلومتر مربع متجاوز بر  $1/8$  میلیون هکتار می‌شود، استرانسیوم - ۹۰ با غلظت  $0/3$  و بیش‌تر از کوری در متر مربع<sup>۳</sup> - که حدود  $0/5$  میلیون هکتار می‌شود. - ۲۶۴ هزار هکتار زمین از چرخه‌ی کشاورزی خارج شد. بلاروس کشور جنگل‌هاست. اما ۲۶ درصد از جنگل‌ها و بیش از نیمی از مرغزارها در دشت‌های سیلابی پریپات، دنپیر، سژ به منطقه‌ی آلوده‌ی رادیواکتیوی مرتبط می‌شوند...

در نتیجه‌ی نفوذ مداوم دُزهای خرد رادیواکتیوی هر ساله شمار بیماری‌های سرطانی، کودکان عقب‌مانده‌ی ذهنی، کودکانی با اختلالات عصبی - روانی و جهش‌های ژنتیکی در کشور افزایش یافته است...

مجموعه‌ی چرنوبیل. «دانش‌نامه‌ی بلاروسی»،  
۱۹۹۶، صفحه‌های ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۱۰۱، ۱۴۹

«براساس شواهد موجود، سطح بالای تابش یونیوزان، ۲۹ آوریل سال ۱۹۸۶ در لهستان، آلمان، اتریش، رومانی، ۳۰ آوریل در سوئیس، شمال ایتالیا، ۱ و ۲ مه در

۱. یکای غیر - دستگاه بین‌المللی یکاهاست که برای اندازه‌گیری واپاشی هسته‌ای به کار می‌رود و به افتخار ماری کوری و پیری کوری نام گرفته است.

۲. عنصر شیمیایی در جدول تناوبی ۵۵ با نماد Cs.

فرانسه، بلژیک، هلند، بریتانیای کبیر، شمال یونان، ۳ مه در اسرائیل، کویت، ترکیه ثبت شده بود...

مواد گازی و سبک رهاشده در ارتفاع بالا در سطح جهان گسترش یافتند: آن‌ها ۲ مه در ژاپن، ۴ مه در چین، ۵ مه در هند، ۵ و ۶ مه در ایالات متحده‌ی آمریکا و کانادا ثبت شده‌اند.

کم‌تر از یک هفته زمان لازم بود تا چرنوبیل مسئله‌ی همه‌ی دنیا بشود...»

مجموعه‌ی پیامدهای حادثه‌ی چرنوبیل در بلاروس،  
مینسک: کالج عالی بین‌المللی رادیواکولوژی ساخاروف  
۱۹۹۲، صفحه‌ی ۸۲

«راکتور چهارم معروف به پروژهای "پناهگاه"، همچون گذشته در مجاورت ۲۰۰ تن مواد هسته‌ای، در رحمی از سرب و بتن آرمه، نگهداری می‌شود. علاوه‌بر این، سوخت تا حدودی با گرافیت و بتن مخلوط شده است. این روزها هیچ‌کس نمی‌داند که روی این مواد دارد چه اتفاقی می‌افتد.

تابوت‌دان مواد رادیواکتیو را باعجله بنا کردند، سازه بی‌نظیر بود، احتمالاً مهندسان توسعه‌دهنده از پترزبورگ آمده بودند می‌توانستند به آن افتخار کنند. این سازه‌ها باید سی سال کار می‌کردند. به‌رحال آن را "از راه دور" نصب کردند، ورقه‌ها را با کمک ربات‌ها و هلی‌کوپترها متصل کردند که از همان جا هم شکاف برداشتند، امروزه، مطابق برخی داده‌ها، مساحت کلی تَرَک‌ها و شکاف‌ها از ۲۰۰ متر مربع بیش‌تر است و متصاعد شدن ذرات ریز رادیواکتیوی معلق از آن‌ها ادامه دارد. اگر باد از شمال بوزد، در نتیجه در جنوب خاکستر فعال خواهد بود: همراه با اورانیوم، پلوتونیوم و سزیم. به‌جز این دو روزهای آفتابی، هنگام قطع کردن جریان برق در سالن راکتور، ستون‌هایی از نور دیده می‌شدند که از بالا سرازیر می‌شوند. این چیست؟ باران هم به داخل نشت می‌کند. و در برخورد رطوبت با اجرام محتوی سوخت هسته‌ای امکان واکنش زنجیره‌ای را به وجود می‌آورد... تابوت‌دان مُرده‌ای است که نفس می‌کشد. مرگ را تنفس می‌کند. چه قدر دیگر برای او کافی است؟ هیچ‌کس به این سؤال پاسخ نخواهد داد، امکان نزدیک شدن به بسیاری

از انشعاب‌ها و سازه‌ها برای پی بردن به اندازه‌ی ضریب اطمینان‌شان تا به امروز وجود نداشته است، اما همه متوجه‌اند که: انهدام پروژه‌ی "پناهگاه" می‌توانست موجب به بار آوردن نتایج وحشتناک‌تری نسبت به سال ۱۹۸۶ شود...»

مجله‌ی آگانیوک، شماره‌ی ۱۷، آوریل ۱۹۹۶

«تا قبل از چرنوبیل... از بین هر ۱۰۰ هزار بلاروسی، ۸۲ مورد سرطانی وجود داشت. اما امروزه آمار به این شرح است: از هر ۱۰۰ هزار نفر ۶ هزار نفر بیمار هستند. نرخ این‌گونه بیماری‌ها تقریباً ۷۴ برابر افزایش داشته است.

میزان مرگ‌ومیر در ده سال گذشته ۲۳/۵ درصد رشد داشته است. از هر ۱۴ نفر تنها یک نفر پسر اثر کهنوت می‌کند، در کل مرگ‌ومیر میان نیروهای کار ۴۶ تا ۵۰ ساله شیوع دارد. در زمان معاینه‌ی پزشکی در نواحی آلوده‌تر، ثابت شد که از هر ۱۰ نفر، ۷ نفر بیمارند. وقتی از میان روستاها رد می‌شوی، قلمرو گسترش‌یافته‌ی قبرستان‌ها متحیرت می‌کند...»

«بسیاری از اعداد و ارقام تا به امروز نامشخص اند. آن‌ها را هنوز در خفا نگه می‌دارند، انگار هیولا هستند. اتحاد جماهیر شوروی (۸۰۰ هزار سرباز وظیفه و نیروی پاک‌سازی احضار شده به خدمت را به محل حادثه اعزام کرد، میانگین سنی آخرین نفرها ۳۳ سال بود. و پسر بچه‌ها را بلافاصله بعد از مدرسه برای خلبان ارتش احضار کردند...»

فقط در بلاروس ۱۱۵۴۹۳ نفر در لیست نیروهای پاک‌سازی قرار می‌گیرند. براساس اطلاعات وزارت بهداشت فدراسیون روسیه، از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۳، ۸۵۵۳ نفر از نیروهای پاک‌سازی درگذشتند. روزانه دو نفر...»

«تاریخ این‌گونه آغاز می‌شود...»

سال ۱۹۸۶... در صفحات اول روزنامه‌های خارجی و شوروی گزارش‌هایی از دادگاه متهمان حادثه‌ی چرنوبیل به چاپ می‌رسد...

و اکنون... خانه‌ی پنج طبقه‌ای خالی را تصور کنید. خانه‌ای بدون ساکنینش اما همراه وسایل، مبلمان و لباس‌هایی که دیگر هیچ‌گاه هیچ‌کس نمی‌تواند از آن‌ها

استفاده کند. برای این که این خانه در چرنوبیل قرار دارد... اما دقیقاً در همچو خانه‌ای در شهری مُرده، نشست خیری نه چندان بزرگی برای روزنامه‌نگاران، همان کسانی که در انتظار اجرای عدالت برای متهمان حادثه‌ی اتمی بودند، برگزار می‌شود. کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست اتحادیه‌ی شوروی در بالاترین حد استاندارد تصمیم گرفت که موضوع باید در محل جنایت ارزیابی شود؛ در خود چرنوبیل. دادگاه در ساختمان خانه‌ی فرهنگ محلی برگزار شد. شش متهم در جایگاه نشسته بودند: رئیس نیروگاه اتمی ویکتور بریوخانف، مهندس ارشد نیکلای فامین، جانشین مهندس ارشد آناتولی دیاتلف، رئیس کشیک باریس راگژکین، رئیس فروشگاه راکتوری الکساندر کاوالنکا، بازرس سرپرستی فدرال روسیه در حوزه‌ی ایمنی هسته‌ای - تابشی یوری لاوشکین.

جایگاه حضار خالی است. تنها روزنامه‌نگاران هستند. هر چند دیگر مردمی هم این جا نیستند، شهر را "بسته‌اند"، شبیه منطقه‌ی به شدت تحت کنترل و مانیتورینگ تشعشعی - آیا به همین خاطر هم آن جا را برای برگزاری دادگاه انتخاب نکردند؟ - هر چه قدر تماشاجی کم‌تر، سروصدا کم‌تر؟ تلویزیون‌ها و روزنامه‌نگارانِ غربی آن جا نبودند. البته همه می‌خواستند روی نیمکت متهمان، ده مقام دولتی مسئول را همراه با مسئولان اهل مسکو ببینند. علم جدید هم باید مسئولیت خودش را می‌پذیرفت. اما به جای مجازات مقامات عالی، به محاکمه‌ی بی‌گناهان سطح پایین رضایت دادند.

رأی صادره‌ی هیئت منصفه به قرار زیر بود:

ویکتور بریوخانف، نیکلای فامین و آناتولی دیاتلف محکوم به ۱۰ سال حبس شدند. دوره‌های حبس برای بقیه کم‌تر بود. آناتولی دیاتلف و یوری لاوشکین بر اثر تشعشع شدید رادیواکتیو در زندان مُردند. مهندس ارشد نیکلای فامین دیوانه شد... و رئیس نیروگاه، ویکتور بریوخانف، دوره‌ی محکومیتش را از ابتدا تا انتها به پایان رساند. همه‌ی ده سال را. خویشاوندان و چند روزنامه‌نگار او را ملاقات کردند. حادثه به تدریج گذشت.

رئیس سابق در کپیف زندگی و در یک شرکت به عنوان کارمند دفتری کار می‌کند...

تاریخ این گونه پایان می‌یابد...»

«در آینده‌ی نزدیک، اوکراین به سوی توسعه‌ای گسترده حرکت خواهد کرد. روی تابوت‌دان مهور بلوک چهارم ناپودشده‌ی نیروگاه اتمی چرنوبیل در سال ۱۹۸۶، پناهگاه جدیدی با نام "آرکا" ساخته خواهد شد. در این پروژه ۲۸ کشور حامی، سرمایه‌گذاری اولیه را که بیش از ۷۶۸ میلیون دلار است در کوتاه‌ترین زمان فراهم می‌کنند. پناهگاه جدید دیگر نه سی سال، بلکه باید صد سال دوام داشته باشد. وسیع‌تر هم طراحی شده تا حجم کافی برای دفن مجدد زباله‌های اتمی را داشته باشد. زیرساخت‌های کلان لازم است: در واقع انتظار می‌رود از ستون‌ها و صفحات بتنی خاک‌سنگی مصنوعی درست شود. پس از آن لازم است مخزنی آماده شود، جایی که زباله‌های رادیواکتیوی را که از زیر مقبره‌ی قبلی استخراج می‌شود به آن جا ببرند. پناهگاه جدید از فولادی با کیفیت بالا ساخته خواهد شد که توانایی تحمل اشعه‌ی گاما را دارد. فقط ۱۸ هزار تن فولاد لازم است.»

"آرکا" در تاریخ بشری عمارتی بی‌نظیر خواهد شد. قبل از هر چیز اندازه‌ی آن، یعنی روکش دولایه‌ی محافظ و طول ۱۵۰ متری اش هوش از سر می‌برد. ساختمانی که طبق آمار قابل‌قیاس با برج ایفل خواهد بود.»

از روزنامه‌های اینترنتی بلاروسی،  
سال‌های ۲۰۰۵ - ۲۰۰۲



## صدای تنهایی بشری

«من نمی دانم از چه بگویم... از مرگ یا عشق، یا این دو یکی هستند... از چه بگویم؟ ... ما تازه ازدواج کرده بودیم. در خیابان هنوز دستِ هم را می گرفتیم، حتی اگر به مغازه‌ای می رفتیم. همیشه دوتایی با هم بودیم. به او می گفتم "دوستت دارم." اما هنوز نمی دانستم چه طور دوستش دارم... اصلاً تصویری نداشتم... ما در خوابگاه و بخش آتش نشانی، که محل کارش بود، زندگی می کردیم. در طبقه دوم. آن جا سه زوج جوان دیگر هم زندگی می کردند، آشپزخانه برای همه مشترک بود. و پایین، در طبقه دوم، ماشین‌ها قرار داشتند. ماشین‌های قرمز آتش نشانی. این شغل او بود. همیشه می دانستم او کجاست، در چه حال است. نیمه شب سرو صدای شنیدم. از پنجره نگاه کردم. من را دید. "پنجره را ببند و برو بخواب. در ایستگاه اتمی آتش سوزی شده است. زود برمی گردم."

من خود انفجار را نمی دیدم. فقط شعله را می دیدم. انگار همه چیز می درخشید. کل آسمان... شعله‌ای بلند. دوده. حرارتی وحشتناک. اما هنوز از او خبری نیست که نیست. دود از قیر بلند می شود، پشت بام ایستگاه غرق قیر شده است. بعدها راه رفتن روی قیر یادش آمد. شعله‌ی آتش را خاموش کردند. گرافیت داغ شده را با پاها تکاندند. آن‌ها بدون لباس برزنتی رفتند، انگار با همان یگانه پیراهنی که تن شان بود رفتند. به آن‌ها هشدار نداده بودند و برای یک آتش سوزی عادی خبرشان کرده بودند...



www.cheshmeh.ir



ادبیات غیرداستانی - ۱۲  
تومان ۳۴۰۰۰

ISBN-13: 978-600-229-680-1



9 786002 296801

نیایش چرنوبیل یکی از مشهورترین آثار سوتلانا الکسیویچ (۱۹۴۸) است. برنده‌ی جایزه‌ی نوبل ۲۰۱۵ در این کتاب که به سال ۱۹۹۷ منتشر شد، قصه‌ی آدم‌هایی را روایت می‌کند که انفجار هولناک نیروگاه اتمی چرنوبیل در بلاروس همهی زندگی‌شان را تحت‌شعاع قرار داد. او با صدها نفر مصاحبه می‌کند، از آتش‌نشان و دانشمند هسته‌ای تا زنان خانه‌دار و معلمان تاریخ. سبک الکسیویچ که در تلفیق این روایت‌ها ساخته می‌شود، ناگهان مخاطب را با کوهی از تصاویر و قصه‌ها روبه‌رو می‌کند که در بسیاری نکه‌ها نیز باهم در تناقض‌اند. بسیاری از مورخان انفجارِ راکتورِ هسته‌ای چرنوبیل را از جمله دلایلِ فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی می‌دانند و نویسنده نشان می‌دهد که این انفجارِ مخوف، چگونه روح انسانی را سوزاند و ناامید کرد. این کتابِ شگفت‌آور یکی از درخشان‌ترین نمونه‌های مستندنگاری است در دهه‌های گذشته، چنان مهم است که از مهم‌ترین عواملِ نوبل بردنِ نویسنده‌اش شد. کتابی که گره خورده با غم، مرگ، شادی و البته تماشای تاریخی که انگار پوسته‌پوسته شده و در حالِ فروریختن است. یک شاهکارِ تأثیرگذار...

WWW.3000.PDF